

## اندیشه ملی، جاده ملی و هدف ملی

م. ع. اطرافي

اگر ما فعالیت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور و جامعه خود را در دو نیم قرن گذشته بازرسی و بررسی نماییم به این نتیجه میرسیم که ما بخاطر اندیشه ملی، تعیین هدف ملی و جاده ملی هیچ کار مثمري را در همین برهه تاریخ انجام نداده ایم. بلکه هر جنبش و حرکت ملی از جانب حکام مستبد، قوم گرا و عقب گرا در نطفه خفه ساخته شده و با قساوت به آن برخورد شده است.

- تا زمانیکه ما اندیشه ملی، هدف ملی و جاده ملی مشخص نداشته باشیم ما به سوي اهداف و سمت های نامعلوم و به بیراهه ها حرکت مینماییم که مارا سر گردان ساخته به هیچ هدفی نرسانده و نمیرساند. در خالاي اندیشه ملی، جاده ملی و هدف ملی بین جنبش های چپ، سکولار و انقلابی از یکسو و جنبش های راست جهادی از جانب دیگر کشمکش ها و خصومت های ذات البینی ظهور کرد که جامعه مارا به بحران عمیق بی اعتمادی، تفرقه و نفاق مبتلا ساخت که باعث جنگهای خونین در کشور ما گردید. کفاره آنرا مردم مظلوم ما به بهای سر و مال شان پرداختند و تا امروز میپردازند.

- اندیشه های سکولاریزم چپ و انقلابی، شئونیزم، سکتاریزم و آیدالیزم راست جهادی و مذهبی نتواستند وحدت، اتحاد و همبستگی ملی را در جامعه ما بوجود بیاورند بلکه برعکس باعث تشدید نفاق، دشمنی ها و جنگها در کشور ما گردیدند.

انشعابات در درون احزاب چپ و انشعابات جهاد سنی مذهب به هفت تنظیم در پاکستان و هشت تنظیم شعیه مذهب در ایران شاهد این مدعا میباشد که بغیر از اندیشه ملی و تعیین هدف و جاده ملی هیچ اندیشه، ایدئولوژی و وسیله دیگری در انزوا و تنهایی نمیتواند وحدت ملی مارا تأمین نماید و کشور ما را بسوي پیشرفت، ترقی و رفاه اجتماعی سوق و هدایت نماید. برای رسیدن به هدف ملی، ما باید جاده ملی مان را حد اکثر به پنج خط فکری سیاسی خط کشی نماییم که به هدف ملی وصل شود. تا هر پنج حزب رسمی سیاسی بتوانند در داخل جاده ملی در خطوط مربوطه شان بسوي هدف مشترک ملی

حرکت نمایند. بیش از پنج حزب سیاسی راجستر شده به ضرر و حدت و منافع ملی کشور ما میباشد. باید سایر احزاب در پنج حزب رسمی مدغم شوند. دو کنار جاده ملی با رنگ قرمز خط کشی شود تا هیچ حزب سیاسی نتواند از جاده ملی خارج شود. کدرها و فعالین احزاب سیاسی در پهلوی مرام و برنامه های اختصاصی و حزبی شان با سلاح اندیشه های ملی نیز مجهز ساخته شوند تا بتوانند فعالیت و حرکت احزاب شان را در داخل جاده ملی بسوی هدف مشترک ملی سوق، هدایت و رهنمایی نمایند. اعضاء احزاب سیاسی نباید طوطی وار تربیه شوند که از خود ابتکار عمل نداشته باشند. اعضاء احزاب سیاسی باید در پهلوی شخصیت حزبی شان شخصیت ملی شانرا نیز کسب و تبارز داده بتوانند. تا با مخالفین سیاسی شان **بحیث رقیب نه به حیث دشمن** برخورد و معامله نمایند. احزاب سیاسی میتوانند از طریق دموکراسی شفاف در انتخابات بدون تقلب و کسب اکثریت آراء مردم به اهداف سیاسی شان نایل گردند. این امر در نظام دموکراسی پارلمانی و صدارتی به بهترین وجه برآورده شده میتواند. باید همه احزاب سیاسی در جهت تطبیق دموکراسی شفاف با هم متحد شوند و مشترکن کار نمایند. در نظام دموکراسی شفاف، تساوی حقوق افراد جامعه و عدالت اجتماعی برقرار میشود و ضرورت طرح فدرالیسم و تجزیه دیگر به کلی رفع و منتفی میگردد و قناعت و رضایت همه اقوام باهم برادر افغانستان برآورده میشود. اگر دموکراسی نو بنیاد افغانستان با درایت و صداقت رهبری، هدایت و رهنمایی نشود و همه جوانب ذیدخل در زمینه همکاری ننمایند سرنوشت دموکراسی در افغانستان به انارشی می انجامد که برای کشور ما فاجعه آمیز خواهد بود. مزید برآن برای رسیدن به اهداف ملی حرکت ها و فعالیت های ملی در بخش های مختلف زندگی اجتماعی باید پلان گذاری و برنامه ریزی شود. تا پیشرفت ها و عقب مانی ها سنجش و محاسبه شده بتوانند. با این شیوه میتوان علل و موجبات عقب مانی ها و ناکامی ها را نیز تشخیص نمود و در رفع آن بموقع اقدام کرد.

- موضوع اصلی و اساسی دیگری که برای وحدت ملی، پیشرفت و ترقی کشور و رفاه

اجتماعي از اهميت خاص برخوردار است، افتتاح باب تفاهم و مذاكرات بين گروه ها، حلقات، جمعيت ها و احزاب سياسي در کشور ما مي باشد تا سوء تفاهمات، اختلافات و دشمني ها بين شان رفع شود. حال بايد همه تجربه کرده و آموخته باشند که هيچ کس، هيچ حزب و قومي در انزوا و تنهائي هيچ کار مثمر و مفيدي را بنفع کشور و جامعه انجام داده نمي تواند بلکه پاي يکديگر را به تيشه زده ميروند تا از حرکت بازمانند. يگانه راه گشاي حل اين مشکل ايجاد وحدت نظر و عمل و اهداف مشترك ملي در جامعه ما مي باشد که خود بخود بوجود نمي آيد بلکه ايجاد کار مستمر و دوامدار را مينمايد که همه افغانها مشترک در آن بايد سهم بگيرند. تازمانیکه صلح، امنيت، عدالت اجتماعي قانونيت و دموکراسي شفاف در کشور ما تأمين نگردد هيچ حزب سياسي نمي تواند کدام کارمثمري را به نفع کشور و جامعه انجام بدهد. لذا مطالب فوق شامل اهداف مشترك همه احزاب سياسي مي باشد که بصورت طبيعي زمينه اتحاد و ائتلاف را بين احزاب کشور مساعد ساخته و مي سازد که احزاب افغانستان نبايد اين فرصت را از دست بدهند. اختلافات خود را در شرايط خاص خون آشام کنوني کنار بگذارند و مشترک و متحدن بخاطر تأمين صلح و دموکراسي شفاف با وحدت نظر و عمل مبارزه نمايند تا شرايط و زمينه مبارزات صلح آميز و مسالمت آميز براي احزاب سياسي در کشور مساعد و فراهم گردد.

نظام سالم سياسي و اداري رکن اساسي وحدت ملي، پيشرفت و ترقي در جامعه مي باشد:

- نظام قوم گرایی و قبيله سالاري با رژيم هاي سلطنتي، امارتي خودکامه و استبدادي اش طي چند سده تجربه شد که از آزمون تاريخ ناکام و بيکاره برآمد.

- نظام شاهي مشروطه و دموکراسي پارلماني قبل از تولد اش سقط جنين کرد.

- نظام هاي رياستي تک حزبي به ديکتاتوري ها انجاميد که باعث از بين رفتن و متلاشي شدن خودشان و بحران خونين در کشور گرديد.

- نظام رياستي غير حزبي فعلي از جانب حلقات مافيايي و شبکات استخبارات منطقوي و جهاني به گروگان گرفته شده که اداره کشور را به فساد، رشوت، اختلاس، تفرقه، نفاق،

ضد وحدت و ضد منافع ملي تيدیل نموده است.

- از طرح نظام فدرالي بوي تجزيه بمشام ميرسد که از جانب يك خواهر افغان در يکي از سايت هاي انترنيتي افغانها به حيث بهترين گزينه مطرح شده است که از جانب حاميان و هواداران فدراليزم با گرمي استقبال گرديد.

- يگانه نظاميکه تا بحال در افغانستان تجربه نشده نظام دموکراسي پارلماني و صدارتي ميباشد. به گمان اغلب همين نظام بهترين انتخاب و درخور حال و احوال جامعه و کشور ما ميباشد که ميتواند هم ثبات، هم عدالت اجتماعي و هم دموکراسي را در کشور به ارمغان بياورد و اداره کشور را مسئول پذير بسازد که در برابر مردم هم پاسخگو باشد.

- نقش انسان در رأس همه امور کشور و جامعه قرار دارد. انسان است که سرنوشت کشور و جامعه را رقم ميزند. انسانهاي صادق، پاک نفس، دلسوز، ملي، وطن دوست، روشن انديش، دموکرات و باکفايت ميتوانند حرکت کشور و جامعه را در جاده ملي با درايت و سرعت لازم در جهت ترقي، پيشرفت، رفاه اجتماعي به سوي اهداف ملي سوق و رهبري نمايند و کشور را در مدت کوتاه به مدارج عالي پيشرفت و ترقي برسانند.

اما انسانهاي فاسد، ظلمت انديش، بي کفايت، خودخواه، رشوت خور، اجنت و فروخته شده همه منافع ملي را در برابر منافع شخصي شان در معرض معامله قرار ميدهند و مسير حرکت ملي کشور و جامعه را به بيراهه ها منحرف ميسازند و زمينه را براي بهره برداري خاينين و دشمنان کشور فراهم ميسازند. بنا برين تعين شخصيت هاي ملي، صادق، وطن دوست، با دانش و باکفايت در رأس ادارات دولتي از اهميت ستراتيک برخوردار ميباشد که شخص اول مملکت، صدراعظم و پارلمان کشور مسئوليت آنرا بعهده دارند.

- نقش ميديا و رسانه ها هم در تنوير افکار مردم در جهت دموکراسي شفاف، اهداف ملي، وحدت ملي و منافع ملي از اهميت ستراتيک برخوردار است که ميتوانند جامعه را در مسير سالم و مستقيم بسوي اهداف ملي در داخل جاده ملي سوق، هدايت و رهنمايي نمايند. مشروط بر اينکه خود ميديا و رسانه ها هم به اندیشه ملي، جاده ملي و هدف

## مشترك ملي معتقد، متعهد، باورمند و پابند باشند.

موانعیکه در برابر جنبش و حرکت های ملي مردم ما وجود دارد:

- فرهنگ عقب مانده قومي و اندیشه های عقب گرای عقیدوي در طول دو نیم قرن گذشته با هم مزج شده و به حیث رهنمای دین و دنیا در جامعه بیسواد کشور ما تبلیغ شده و مردم را به آن معتقد ساخته اند. هر نوع اندیشه های نو و پیشرو را بدعت اعلام داشته حامیان آنرا به کفر متهم ساخته احساسات مردم را علیه شان تحریک نموده اند که بعضی جرگه های آن در حال حاضر هم در جامعه ما بمشاهده میرسد. بدین ترتیب جلو اصلاحات ریفورم ها و نو آوری ها را در جامعه ما سد نموده که باید چنین دسایس خنثی ساخته شود.
- لویه جرگه ها منشأ و مظهر قومي و قبیلوي دارد که اعضای آن از جانب حلقات و محافل حاکمه کشور بصورت غیر دموکراتیک و فرمایشی انتخاب میشوند. توده های وسیع مردم در تعیین و انتخاب اعضای لوی جرگه ها هیچ نقش نداشته و ندارند. روی همین دلیل است که لویه جرگه ها همیشه در خدمت و دفاع از منافع و حاکمیت طبقات حاکمه کشور قرار گرفته، مانع هر نوع ریفورم، اصلاحات و نو آوری ها در کشور و جامعه ما شده، کشور و جامعه ما را برای سالیان متمادی در حالت رکود و عقب مانی محفوظ داشته است. باید به مردم حق داده شود که خود، اعضای لویه جرگه ها را با رأی سري و مستقیم شان انتخاب نمایند که در مسیر و جهت منافع ملي و همگانی مردم حرکت و عمل نمایند.
- تعیین دولسان رسمي و ملي پشتو و دری هم منشأ و مظهر قومي دارد که يك درز را در جامعه ما به وجود آورده باعث ضیاع وقت جامعه و مصارف هنگفت اضافی اقتصادی گردیده که با منافع و وحدت ملي ما در تضاد قرار دارد و هیچ مفاد و منفعتی به ترقی و پیشرفت جامعه ما نمیرساند. بلکه در راه وحدت ملي، پیشرفت و ترقی کشور مشکل افزا گردیده و در عمل جنبه تطبیقی ندارد. باید در باره آن تجدید نظر شود و همان يك لسانیکه اکثریت مردم افغانستان به آن صحبت مینمایند و افهام و تفهیم آن آسان تر و روان تر است و از غنای فرهنگی و تاریخی برخوردار است بحیث زبان رسمي و ملي افغانستان

انتخاب و پذیرفته شود.

- تجویز بیش از حد و نیاز احزاب سیاسی و تسجیل . ۱۲ حزب سیاسی با خط مشی، برنامه و مرامهای متفاوت حرکت جامعه ما را به بن بست کشانیده، شیرازه وحدت ملی و همبستگی ملی ما را بمخاطره انداخته است. اُبرو و حیثیت کشور و جامعه ما را در سطح جهان خدشه دار ساخته است. مردم جهان فکر میکنند که سیاست مداران افغان بخاطر دریافت سبسایدی سیاسی به بیش از ۱۲ خط مشی، برنامه و اهداف سیاسی پراکنده و متفرق شده اند و به وحدت و ارزش های ملی شان هیچ باور و اعتقاد ندارند. توجه رؤسای احزاب سیاسی به این امر جلب میشود که در این مورد مجدداً بیاندیشند، کاری نکنند که فردا نزد نسلهای نواندیش کشور ما خدا نخواستہ اشتباه کار و ضد منافع ملی ارزیابی شوند. افغانستان در شرایط و بحران خونین کنونی به وحدت نظر و عمل و اتحاد همه احزاب سیاسی اشد نیاز و ضرورت دارد تا با مشیت آهنین وحدت و اتحاد همه دسایس علنی و مخفی دشمنان افغانستان را خنثی سازند و صلح و امنیت را در کشور ما اعاده نمایند. سبسایدی خودها را هم بگیرند اما جبهه متحد ملی را تشکیل نمایند، تا شک و تردیدهای جهانیان در مورد صداقت سیاست مداران افغان هم رفع و دفع شود.

- استعمار منطوقی، جهانی و میراث خور های شان با اندیشه ها و جنبش های ملی کشور های مستقل جهان سوم مخاصمت میورزند زیرا آنرا مغایر منافع استعماری و استثماري شان تجربه کرده اند و میدانند که به منفعت شان نیست. مذبحخانه تلاش میورزند که جلو رشد اندیشه های ملی، نهضت و جنبشهای ملی را در کشور های عقب مانده سد نمایند. در این مورد افغانها باید دوران پیش باشند که فریب نخورند. بیایید که همه با هم در جاده ملی با در دست گرفتن مشعل فروزان اندیشه ملی، وحدت و همبستگی ملی به یاری خداوند متعال به پیش به سوی اهداف ملی مان گام بر داریم تا باشد که صلح، امنیت و آرامش را در کشور مان اعاده و مستقر سازیم. و من الله توفیق.

يك نظام سالم سياسي مستلزم يك سيستم كنترول شده اداري ميباشد كه در درون سيستم و اداره همه امور كنترول و نظارت شده ميتواند. مابايد در تلاش ايجاد چنين سيستم باشيم تا اجراي همه امور بشمول مصارف و عوايد بصورت خود بخودي تحت كنترول و نظارت قرار داشته ميباشد و جلو رشوت و اختلاس را ميگرد.